

# مروری بر کتابخانه‌های مدارس و دانشگاهها در تمدن اسلامی و مقایسه آنها با کتابخانه‌های دانشگاهی اروپا در قرون وسطی

محمود حقیقی\*

کتابخانه در قلمرو تمدن اسلامی دارای ارج و منزلت والایی است. میراث عظیم فرهنگی مدون در طی اعصار و قرون مبین آن است که این نهاد فرهنگی، در ادوار درخشان تمدن اسلامی دارای فضیلت فراوانی بوده و از ارکان اساسی جامعه اسلامی محسوب می‌شده است. اصولاً کتابخانه‌ها در ادوار با ثبات شکوفا می‌شوند و نهادهایی چون مدرسه، دانشگاه، دارالعلم، بیت‌الحکمه، و کتابخانه در یک جامعه با ثبات و مشحون از وحدت، صلح و صفا و پیشرفت و موفقیت، ایجاد می‌شوند. هر زمان چنین زمینه‌هایی در قلمرو تمدن اسلامی فراهم بوده، مدارس و کتابخانه‌های عظیمی در آن ایجاد شده و رشد کرده که به کانونهای فرهنگی روزگار خود بدل شده‌اند. در این قلمرو «منظور اصلی و هدف از بوجود آمدن این مدارس این بود که هر کسی بتواند دانسته به دین اسلام وارد شود و مسلمان واقعی گردد. این

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

مدارس از روی احساس و احتیاج داخلی و آزادانه و خود به خود بوجود آمدند.<sup>۱</sup> طالبان علم از نقاط دور دست به این کتابخانه‌ها می‌آمدند، و در بسیاری از آنها در زمینه‌های مختلف، از جمله مسکن و غذا و کاغذ و مرکب، بدانان یاری می‌دادند. مثلاً «ابن حبان»<sup>۲</sup> در شهر نیشابور، سرای دانشی و کتابخانه‌ای بنیاد نهاده بود، و مسکنهایی برای غریبان که به جستجوی علم بدانجا می‌آمدند دایر داشت، و مخارج ایشان را نیز تعهد کرده بود.<sup>۳</sup>

شکوفایی کتابخانه‌های تمدن عظیم اسلامی مقارن با زمانی بوده که در کتابخانه‌های قرون وسطای اروپا معدود کتابهای موجود را به زنجیر می‌کشیدند و تا قرن‌ها حلقه از پای کتابهای زنجیر شده گسسته نشد. در واقع با سقوط امپراتوری روم و به قدرت رسیدن طوایف وحشی در اروپا وضعیت بسیار نامساعدی برای فعالیت کتابخانه‌ها فراهم آمده بود. «یورشهای بربرها، بویژه یورشهای ژرمنها و اسلاوها، تأثیر تردیدناپذیری در فرهنگ اروپا گذاشت: بربرها زندگی اقتصادی و اجتماعی را ویران کردند و انحطاط امپراتوری روم، خاصه امپراتوری باختری را شدت بخشیدند».<sup>۴</sup> این آشفتگی و هرج و مرج در جوامع اروپایی، به گونه‌ای دردناک دستاوردهای فرهنگی تمدن یونانی - رومی را به زوال و تباهی کشاند. «با نابودی مراکز فضل و کمال، کتابخانه‌های دوره باستان برای همیشه از بین رفت. در حدود هزار سال، مجموعه‌های کوچک نسخ خطی، که در صومعه‌های اروپا از یونان تا ایسلند با رنج و دشواری زیاد استنساخ و بخیلانه نگهداری می‌شد، نمونه یک کتابخانه اروپایی بود».<sup>۵</sup>

۱. زیگرید هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، تهران ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۲۸۸.
۲. ابن حبان (۲۷۴-۳۵۴)، متولد بست سیستان، مؤلف و عالم حدیث.
۳. دایرةالمعارف فارسی، ذیل «کتابخانه».
۴. هنری لوکاس، تاریخ تمدن: از کهن‌ترین روزگار تا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۲۴.
۵. جیمز تامپسون، تاریخ اصول کتابداری، ترجمه محمود حقیقی، تهران ۱۳۶۶، ص ۱۴.

در روزگاری که انحطاط فرهنگی جوامع اروپایی را فرا گرفته بود و مردم این جوامع مصائب و تیره‌روزیهای قرون وسطی را تجربه می‌کردند، در این سوی جهان، در حوزه تمدن اسلامی، زمینه مساعدی برای ایجاد و رشد نهادهای فرهنگی بوجود آمده بود. در خصوص تحقق تعالیم دین مبین اسلام، که طلب علم و دانش را فریضه می‌دانست، تأسیس مدارس در گوشه و کنار ممالک اسلامی مورد توجه خلفا، حکام و دولت‌های دانش دوست بوده است. با پیدایش مدارس و دانشگاهها در تمدن اسلامی، کتابخانه‌هایی نیز برای آنها ایجاد می‌شد. «کمتر مدرسه‌ای در عراق، خراسان، سوریه، و مصر پیدا می‌شد که کتابخانه نداشته باشد. بسختی می‌توان تک مدرسه‌ای، بی مجموعه کتابخانه یافت».<sup>۱</sup> خلیفه فاطمی حاکم بامرالله در ۱۰۰۵/۳۹۵ مرکزی به نام دارالحکمه بنیاد نهاد که «شامل چندین دانشکده بود... جلسات درس دانشکده‌ها پیوسته پرقیل و قال و پرهممه و هیجان‌انگیز بود».<sup>۲</sup> به دستور خلیفه کتابهای موجود در کاخها به این مؤسسه منتقل و کتابخانه و قرائت‌خانه‌ای برای آن ایجاد گردید. «کتابخانه دارالحکمه تدریجاً وسعت یافت، چنانکه ۴۰ سال بعد از تأسیس، تعداد کتب راجع به نجوم و معماری و فلسفه آن به ۶۵۰۰ جلد می‌رسید».<sup>۳</sup> در اینجا نیز دوات و قلم و کاغذ مجانی به مراجعین داده می‌شد تا هر چه می‌خواهند بنویسند و هر کتابی را مایل باشند استنساخ کنند.

معروفترین مدارس تمدن اسلامی در دوره سلجوقیان توسط خواجه نظام‌الملک طوسی وزیر دانشمند سلاطین سلجوقی (۴۵۱-۴۸۵) تأسیس شد. یکی از بزرگترین و مشهورترین آنها موسوم به نظامیه بغداد

۱. احمد شلیبی، تاریخ آموزش در اسلام، پارسی کرده محمدحسین ساکت، تهران ۱۳۶۱، ص ۱۵۸.

۲. علی مظاهری، زندگی مسلمانان در قرون وسطا، ترجمه مرتضی راوندی، تهران ۱۳۴۸، ص ۱۸۹.

۳. دایرةالمعارف فارسی، ذیل «دارالحکمه».

است که در اوایل نیمه دوم قرن پنجم هجری تأسیس شد. «همزمان با تأسیس نظامیه، دارالکتب (کتابخانه) مجهزی متناسب با تشکیلات وسیع و گسترده مدرسه در آنجا دایر گردید... در این کتابخانه کتب دلخواه مطابق اصول صحیح کتابداری امروز در دسترس استادان و دانشجویان قرار می‌گرفت، و کتابخانه و کارکنان آن بخشی از سازمان آموزش نظامیه را تشکیل می‌داد، و به هریک از کتابداران مدرسه مطابق نص وقفنامه نظامیه، ماهانه ده دینار حقوق پرداخت می‌گردید»<sup>۱</sup>.

در نیشابور نیز نظامیه دیگری به امر خواجه نظام الملک در اواخر نیمه اول قرن پنجم تأسیس شد. «روزانه سیصد مرد در آنجا به دانش آموزی جمع می‌شدند، از طلاب و دانش آموزان نامدار این مدرسه اند: امام محمد غزالی و اوحدالدین انوری ابیوردی.»<sup>۲</sup> تأسیسات این مدرسه شباهت زیادی با مدرسه نظامیه بغداد داشته است، و «به طوریکه مدرسه نظامیه در بغداد کتابخانه عالی داشته (بنا به تصریح ابن اثیر در کامل التواریخ) حتماً این مدرسه نیز دارای کتابخانه عالی بوده است»<sup>۳</sup>.

مدرسه نظامیه معروف دیگر، نظامیه مرو است که در نیمه دوم قرن پنجم توسط خواجه نظام الملک در شهر مرو که یکی از مراکز فرهنگی خراسان بشمار می‌رفت تأسیس شد. یاقوت حموی مورخ و جغرافیادان نامی اسلامی درباره این شهر و مدرسه و کتابخانه آن می‌نویسد: «در سال ۶۱۶ ه. ق. شهر مرو را ترک گفتم. در آن هنگام این شهر از مهمترین شرایط علمی و اجتماعی برخوردار بود و من سه سال در آن شهر اقامت داشتم و چنانچه حمله مغول در پیش نبود تا واپسین دم حیات از آنجا خارج نمی‌شدم. در این شهر ده گنجینه از کتب موقوفه بود که از جهت کثرت و نیکویی نظیر آن را در

۱. نورالله کسائی، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران ۱۳۵۸، ص ۱۷۶.

۲. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل «نظامیه».

۳. عبدالعزیز جواهر الکلام، کتابخانه‌های ایران، تهران ۱۳۱۱، ص ۲۶.

دنیا نیافتیم... یکی از آنها خزانه‌الکتب نظام‌الملک حسن بن اسحق در مدرسه او بود. استفاده از این کتابخانه‌ها بینهایت آسان بود، همواره بیش از دوست مجلد از این کتب با اینکه دوست دینار ارزش داشت بدون ودیعه در خانه من بود<sup>۱</sup>.

شهر بغداد که در دوران شکوفایی تمدن اسلامی به صورت یکی از مراکز علمی و فرهنگی در آمده بود در ۶۳۰ شاهد تأسیس کتابخانه بزرگ دیگری به امر خلیفه مستنصر بالله عباسی برای دانشگاه مستنصریه بود که «صدها کتابدار و صدها هزار جلد کتاب خطی در آن موجود بود و اکنون حتی صد یک آن باقی نمانده است»<sup>۲</sup>. مجموعه عظیم این کتابخانه مشتمل بر کتب نفیس، در همه زمینه‌های علوم بوده است. و از آن به عنوان «آخرین کتابخانه دانشگاهی بزرگی که در جهان اسلام تأسیس شده»<sup>۳</sup> یاد شده است. «مصنفان عرب بر این عقیده‌اند که ساختمان این کتابخانه از کلیه بناهایی که قبلاً در سرزمینهای اسلامی ساخته شده، با شکوهتر بود... مجموعه آن به ترتیبی قرار داشت که افرادی برای مراجعه و استنساخ براحتهی از آنها بهره می‌جستند. کاغذ، قلم و روشنایی رایگان برای طلابی که می‌خواستند یک مجموعه خصوصی ایجاد کنند فراهم بود»<sup>۴</sup>.

نمونه‌هایی از کتابخانه‌های مدارس قدیم تمدن اسلامی که به آنها اشاره گردید، حکایت از این دارد که کتابخانه، این نهاد پرارج، نمود بارزی در صحنه فرهنگی ادوار درخشان تمدن اسلامی داشته است. به منظور مقایسه این کتابخانه‌ها با کتابخانه‌های دانشگاهی اروپا در قرون وسطی، مروری کوتاه بر وضع دانشگاه‌های اروپایی در این دوره ضروری می‌نماید. المردی جانسون مورخ کتابخانه‌های جهان غرب می‌نویسد: «اگر چه در

۱. کسائی، همان، ص ۲۴۰-۲۴۱.

۲. مظاہری، همان، ص ۲۱۳.

۳. ربیحی مصطفی الابان «تاریخ کتابخانه‌های اسلامی»، مجله مشکوة، ش ۳۵، ۱۳۷۲، ص ۳۵.

۴. همان.

اوایل قرون وسطی چند مدرسه‌ای که بتوان آنها را موسسه آموزش عالی نام نهاد، وجود داشته است، دانشگاه به مفهوم امروزی تا اواخر قرن دوازدهم ظاهر نگردید<sup>۱</sup>. در ایجاد دانشگاه‌های نوین اروپا، احتمالاً تجربه مسلمانان در تأسیس دانشگاه‌های عظیم تأثیر بسزایی داشته است. جانسون می‌افزاید: «هر چند مؤسسات مربوط به آموزش عالی در ادوار باستان و قسطنطنیه قرون وسطی وجود داشتند، احتمال این است که الهام بی‌واسطه برای ایجاد دانشگاه‌های اولیه در اروپای غربی از دانشگاه‌های موجود در اسپانیای مسلمان آمده باشد. دانشجویان مسیحی قبل از اینکه در سایر مناطق اروپا، دانشگاهی تأسیس شده باشد، در این مؤسسات حضور می‌یافتند. این دانشجویان کتابهایی را که شامل ترجمه‌های لاتین متون عربی آثار کلاسیک یونان، فلسفه ارسطو، و طب بقراط، و نیز آثار خود دانشمندان اسلامی بود، همراه خود بازمی‌گرداندند. در اوایل قرن دوازدهم در مدارس طبی‌ای که در سالرنو<sup>۲</sup> و بولونیای<sup>۳</sup> ایتالیا تأسیس شد، تدریس تقریباً بکلی به وسیله ترجمه‌های لاتین متون عربی صورت می‌گرفت»<sup>۴</sup>. تأسیس نخستین دانشگاه‌های اروپایی به کندی صورت می‌گرفت. «در سال ۱۱۵۰ مدارس دینی پاریس موقعیت دانشگاه را یافتند، و در سال ۱۱۶۷ گروهی از دانشجویان انگلیسی مقیم آن دیار به وطن خود مراجعت کردند تا در انگلستان، مدرسه‌ای از آن خود تأسیس نمایند. این مدرسه آغاز کار دانشگاه آکسفورد بود»<sup>۵</sup>. تا سال ۱۳۰۰ بیش از ۲۰ دانشگاه در اروپای غربی وجود نداشت. «سالهای متمادی دانشگاه‌ها، کتابخانه به مفهوم امروزی نداشتند. استادان و معلمان مجموعه‌های کوچکی از آن خود داشتند که آنها را گاهی به دانشجویان مورد علاقه خود امانت می‌دادند. دانشجویان از درسها

1. Elmer D. Johnson; Michael H. Harris, *History of Libraries in The Western World*, 3rd. ed. (Metuchen, N.J. 1976), p.115.

2. Salerno

3. Bologna

4. Johnson, op.cit, p.116.

5. ibid, p.117.

یادداشت برمی‌داشتند و به این ترتیب به متون درسی دست می‌یافتند، یا آنها را از کتابفروشیها می‌خریدند و یا کرایه می‌کردند. کتابفروشیهای متعددی در اطراف دانشگاه وجود داشتند، و موجودی کتابهای آنها در واقع در حکم کتابخانه‌های کرایه‌ای برای دانشجویان محسوب می‌شد. این کتابفروشیها سرانجام برای خود اتحادیه صنفی تشکیل دادند، و هم اولیای دانشگاهها و هم این اتحادیه‌های صنفی نگران صحت متونی بودند که به دانشجویان فروخته و یا کرایه داده می‌شد.<sup>۱</sup> احتمالاً نخستین کتابخانه‌ها در دانشگاهها، جز مجموعه کتابفروشیها، کتابخانه‌های گروههای دانشجویی بوده است. این گروههای دانشجویی سرانجام در آکسفورد و کمبریج به کالج تبدیل شده، و هر یک هیئت علمی، برنامه‌های درسی و بعدها، کتابخانه‌ای از آن خود داشتند.

توسعه کتابخانه‌ها در دانشگاههای فرانسه و انگلستان نمونه‌ای از رشد کتابخانه‌های دانشگاهی اولیه اروپا را ارائه می‌دهد. در پاریس نخستین اطلاع موثقی که راجع به یک کتابخانه دانشگاهی در دست است مربوط به ۱۲۵۰ م می‌شود که روبر دو سوربون<sup>۲</sup>، کشیش دربار لویی نهم، کالجی را وقف کرد، و به عنوان بخشی از وقف، کتابخانه شخصی‌اش را نیز به دانشکده اهدا کرد. «فهرست کتابخانه مذکور در سال ۱۲۸۹ رقمی در حدود ۱۰۰۰ عنوان را ثبت کرده است. فهرست دیگری از مجموعه این کتابخانه، که در سال ۱۳۳۸ منتشر شده، بیشتر از حدود ۱۷۰۰ عنوان را نشان نمی‌دهد. در سال ۱۴۲۴، کتابخانه دانشگاه کمبریج تنها دارای ۱۲۲ جلد کتاب بود، و مدتها بعد، در سال ۱۳۷۵، کالج اوریل<sup>۳</sup> حتی ۱۰۰ جلد کتاب هم نداشت. در سال ۱۴۱۸، در کتابخانه کالج پیتراوس<sup>۴</sup> در کمبریج تنها ۳۸۰ جلد کتاب وجود داشت. در سال ۱۳۵۳، مجموعه کتابخانه کینگز کالج در کمبریج فقط دارای ۱۷۴ جلد کتاب بود. این ارقام و آمار اندک در همه

1. ibid

2. Robert de Sorbon

3. Oriel Colleg

4. Peterhouse College

فهارس مجموعه‌های قرون وسطایی مشهود است.<sup>۱</sup> استفاده از مجموعه کتابخانه‌های دانشگاهی قرون وسطی و نیز امانت گرفتن کتاب قید و بند بسیار داشته است. در این کتابخانه‌ها تنها با سپردن وثیقه‌ای مناسب، کتب به امانت داده می‌شد. آنها طبق یک قاعده کلی به دو بخش امانت و مرجع تقسیم می‌شدند. «در کتابخانه دانشگاه کمبریج یک کتابخانه عمومی مشتمل بر کتب معمولی برای استفاده همگان، و یک کتابخانه خصوصی مشتمل بر کتب نفیس و ارزنده برای استفاده معدودی از مراجعان ممتاز وجود داشت. در کوئینز کالج، واقع در کمبریج، نیز کتابهای امانت دادنی در اتاقی جدا از کتب زنجیر شده نگهداری می‌شد. در کینگز کالج، یک کتابخانه عمومی و یک کتابخانه فرعی وجود داشت. فهرست سال ۱۴۱۸ کتابخانه کالج پیتراوس کمبریج نشان می‌دهد که مجموعه ۳۸۰ جلدی آن به دو بخش کتب مخصوص استفاده اعضا و کتب زنجیر شده در کتابخانه تقسیم می‌شد.»<sup>۲</sup> اگرچه امانت دادن کتاب در قرون وسطی معمول بوده، لیکن شرایط به امانت دادن آن بسیار سخت بوده، و امانت‌گیرنده باید در ازای دریافت هر کتاب وثیقه‌ای می‌گذاشته است. برای نمونه «شرایط سختی را که مدرسه طب پاریس برای به امانت دادن یک کتاب پزشکی به لویی یازدهم قایل شده بود، [قابل ذکر است]. مدرسه از امانت دادن آن کتاب خاص امتناع می‌کرد، و پادشاه ناچار برای دریافت کتاب، دوازده نشان گرانبها و صد سکه طلا به ودیعه سپرد».<sup>۳</sup> شرح چنین قید و بندهایی در امانت کتاب به لویی یازدهم نشان می‌دهد که وقتی به امانت گرفتن کتاب برای یک پادشاه آنقدر مشکل بوده، قطعاً وضع سایر افراد چندان بهتر نبوده است.

کتابخانه‌های دانشگاهی بسیار کوچک، و مجموعه آنها اغلب مرکب از چند صد نسخه خطی بوده است. این مجموعه‌های کوچک نسخ خطی با مراقبت بسیار شدید نگهداری می‌شده است. بررسی مقررات حاکم بر

۱. تامپسون، همان، ص ۱۶. ۲. همان، ص ۶۰. ۳. همان، ص ۶۱.



کالجهای قدیمی آکسفورد حاکی از آن است که «کتب عادی کالج (یعنی کتب مورد استفاده روزمره محصلان مقیم کالج) نیز در همان شرایط نگهداری اسناد و مدارک، فرامین و آثار نفیس دیگر نگهداری می‌شد. آنها را در گنجه‌هایی قرار می‌دادند که با دو یا سه قفل بسته می‌شد، و برای باز کردن آنها حضور دو یا سه مأمور ضرورت داشت. وقتی دانش‌پژوهی کتابی می‌گرفت، می‌بایست در ازای آن رسید بدهد. چنانچه کتاب را برنمی‌گرداند، موظف بود که بهای آن را بپردازد<sup>۱</sup>. حتی در اوایل قرن چهاردهم مقررات استفاده از کتابخانه دانشگاه سوربون نمایانگر آن است که «کتابها تنها در ساختمانی [قابل استفاده بود] که کتابخانه در آن واقع بود، و چنانچه [آنها] را از کتابخانه خارج می‌کردند، [می‌بایست] قبل از پایان روز آنها را برگردانند. اگر فردی به جز دانشجویان و استادان کتابی از کتابخانه می‌گرفت، می‌بایست ودیعه‌ای معادل بهای کتاب بپردازد، و اگر چه در آنجا یک مجموعه امانی به نام کتابخانه بزرگ و یا کتابخانه عمومی وجود داشت، بسیاری از کتابها زنجیر شده بود<sup>۲</sup>. در این کتابخانه‌ها اجازه هر نوع استفاده از مجموعه، مستلزم آن بوده است که استفاده‌کننده کاملاً شناخته شده باشد. در غالب موارد، مسئله تعیین میزان ودیعه از موانع قابل ملاحظه محسوب می‌شد. با چنین سوابقی می‌توان پی برد که شرایط دسترسی به کتابخانه‌های قرون وسطی، چندان مساعد و سهل و آسان نبوده و نیاز مراجعان بآسانی برآورده نمی‌شده است.

همین بررسی کوتاه وضعیت کتابخانه‌های دانشگاهی اروپا در قرون وسطی بیانگر آن است که نه تنها مجموعه‌های مختصر این کتابخانه‌ها با مجموعه‌های غنی و مجهز کتابخانه‌های مدارس و دانشگاه‌های تمدن اسلامی قابل مقایسه نبوده، بلکه از لحاظ شرایط دسترسی نیز بین این دو تفاوت‌های بسیاری وجود داشته است. در حالیکه شرایط استفاده از

کتابخانه‌های مدارس اسلامی بسیار آسان بوده و آنها به صورت کانونهای فرهنگی پویایی عمل می‌کردند، برای مراجعان خود تسهیلات فراوانی قایل می‌شدند و امکانات متعددی در اختیار آنان می‌گذاشتند و کسی که از دیاری دور دست مراجعه می‌کرد، نه تنها مورد استقبال قرار می‌گرفت، بلکه از لحاظ مسکن، لوازم التحریر و گاه حوایج زندگی تأمین می‌شد. در کتابخانه‌های دانشگاهی اروپا در این دوره، همانطور که ملاحظه شد، موانع و محدودیتهای بسیاری در دسترسی مراجعان به آنها، و استفاده آنان از مجموعه این کتابخانه‌ها وجود داشته است. جان کلام اینجاست که چنین پیشینه‌ای از کتابخانه‌های تمدن اسلامی نشان‌دهنده این واقعیت است که این تمدن، چنانچه زمینه مساعدی برای رشد نهادهای فرهنگی در آن فراهم باشد، ظرفیت شکوفایی و بالندگی عظیمی دارد.

تاریخچه کتابخانه‌ها مبین این واقعیت است که سرنوشت آنها همواره به سرنوشت جامعه وابسته بوده و خسارات بسیار سنگینی که بر کتابخانه‌ها در طول تاریخ بر آنها وارد شده، ناشی از تضادها و کشمکشهای اجتماعی بوده است. مورخی می‌نویسد: «وقتی که تمدنها به اوج خود می‌رسیدند، کتابخانه‌ها رشد می‌کردند و در ادوار فشار و سختی یا غلبه دشمن زوال و نابودی آنها شروع می‌شد»<sup>۱</sup>. سرنوشت کتابخانه‌های قدیم جهان اسلام نیز از این اصل مستثنی نبوده است. با بروز فساد و تباهی در دستگاه حکومت عباسیان، و ناتوانی آنان در اداره ممالک اسلامی و از هم پاشیدن وحدت جامعه مسلمین، هرج و مرج در این قلمرو شدت یافته و عرصه تاخت و تاز اقوام مختلف قرار گرفته است. از اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری با بروز مصایبی چون جنگهای صلیبی، حمله چنگیز، هولاکو و تیمور و انهدام مظاهر تمدن اسلامی به دست آنان، کتابخانه‌ها هم در معرض نابودی قرار گرفته و خسارات بسیار سنگینی بر آنها وارد شد. هزاران نسخه خطی نفیس

به تاراج رفت، یا در آتش قهر مهاجمین خاکستر شده و ذخیرهٔ قرن‌ها حیات معنوی این تمدن بزرگ بی‌رحمانه نابود گشت، و صدای ناقوس نابودی کتابها و کتابخانه‌ها تا مدت زمانی طولانی در این ممالک طنین‌انداز شد. به این ترتیب صدمات جبران‌ناپذیری بر این تمدن وارد شد. مجدداً این ممالک تا مدتها جولانگهٔ جهل و نادانی و تعصبات قومی شده و فضل و کمال در آنها بازاری کساد یافت.



منتشر شد

# «استانبول و فتح آن»

از سلسله مقالات بلند  
دانشنامه جهان اسلام

